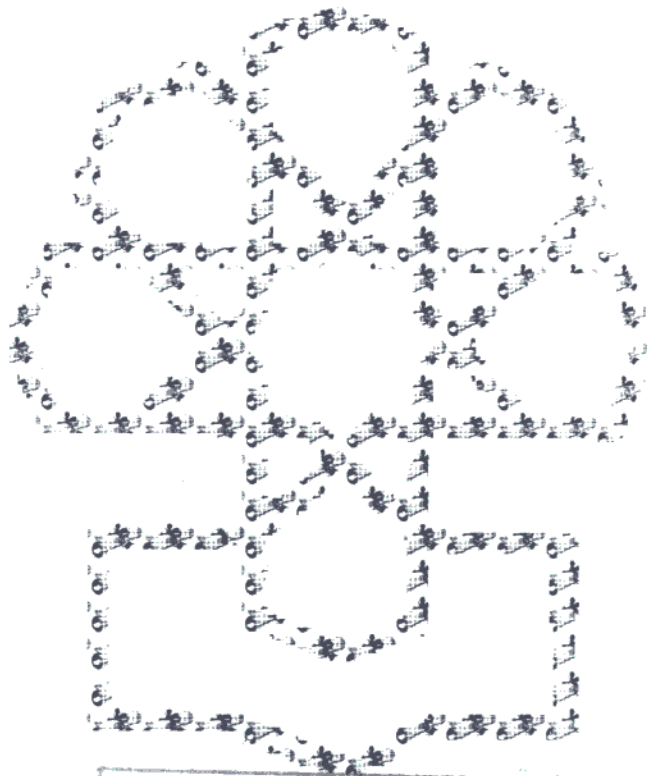


بررسی آخرین تحولات در پاکستان



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی
شماره: ۹۴۸۱
تاریخ: ۷۷/۸/۱۰

معاونت پژوهشی

مرداد ۱۳۷۷

کار: گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی - اجتماعی

این مطالعه بنا به درخواست کمیسیون محترم سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی
تهیه و تنظیم گردیده است.

کد گزارش: ۱۴۰۳۵۶۶

بسمه تعالی

بررسی آخرین تحولات در پاکستان

کد گزارش: ۱۴۰۳۵۶۶

فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
۲	مشخصه جغرافیایی.....
۲	الف- توان اتمی پاکستان.....
۲	۱- سابقه تعامل با ایالات متحده امریکا.....
۳	۲- همکاری پاکستان با چین.....
۴	۳- زمینه مسابقه تسلیحاتی با هند.....
۵	۴- واکنش همسایگان.....
۵	ب- طالبان و پاکستان.....
۵	۱- سابقه همکاری ها.....
۶	۲- پشتیبانی گسترده.....
۸	۳- واکنش همسایگان.....
۸	ج- راهبردها.....
۸	۱- مواضع جمهوری اسلامی و انفجارهای هسته‌ای پاکستان.....
۹	۲- طالبان و مواضع جمهوری اسلامی.....
۹	تصویر فعلی در افغانستان.....
۹	سیاست رقابت.....
۱۰	سیاست بی طرفی.....
۱۱	سیاست همکاری.....
۱۲	فهرست منابع.....

در چند ماهه اخیر کشور پاکستان یکی از خبرسازترین کشورها در جهان بود. بخشی از خبرها مربوط به تعامل با سابقه طولانی با کشور هند بر سر مسائل مختلف از جمله کشمیر، آزمایش بمب‌های هسته‌ای و حمایت از طالبان می‌باشد. آنچه به لحاظ آنی اهمیت دارد، نگرشی همه جانبه به مسائل و تحولات داخلی پاکستان و سپس تنظیم روابط خارجی جمهوری اسلامی با این کشور همسایه است. در این نوشته سعی شده است تا نگرشی همه جانبه - تا حد مقدور^۱ - از تحولات پاکستان تصویر نماید. این تصویرسازی از ماجراهای فعلی لزوماً به معنای صحت یا تأیید بخشی از تحلیل نیست، چه این که به نظر می‌رسد تحلیلی برای دستگاه‌های تصمیم‌ساز در سیاست خارجی باید به دور از شعار، هیاهو و جنجال تنظیم و ارائه شود.

مشخصه جغرافیایی

پاکستان با ۸۰۳/۹۴۳ کیلومتر مربع وسعت در جنوب آسیا در همسایگی کشورهای ایران، افغانستان، هند و چین واقع شده است. جمعیت این کشور به طور تقریبی ۱۲۶,۴۰۰,۰۰۰ نفر و رشد جمعیت آن ۲/۴ درصد می‌باشد. مردم آن عمدتاً از نژاد سفید بوده و بیشتر از تیره‌های پنجابی (۶۶ درصد)، سندھی (۱۳ درصد)، پشتو (۸/۵ درصد)، اردو (۷/۶ درصد) و بلوچی (۲/۵ درصد) هستند. ۹۷ درصد مردم پاکستان مسلمان، ۱/۵ درصد هندو و ۱/۴ درصد مسیحی هستند. احزاب مهم این کشور «مسلم لیگ» و «مردم» می‌باشند.

الف - توان اتمی پاکستان

پیرامون توان اتمی پاکستان از سالیان پیش اخبار مختلفی وجود داشته است. اوج تلاش‌های پاکستان در این زمینه از دوران زمامداری ژنرال ضیاءالحق آغاز شده است. آنچه واضح است مجموعه نظامیان پاکستان که نقش عمده‌ای در سیاست‌گذاری‌های دولتی ایفا می‌کنند، درباره رسیدن به توان اتمی اجماع نظر داشته‌اند. در این بخش به طور خلاصه از سابقه تعامل با امریکا مطالبی ذکر می‌شود.

۱- سابقه تعامل با ایالات متحده امریکا

علی‌رغم وجود اعلام‌های مکرر امریکا درباره تلاش‌های هسته‌ای پاکستان، مهم‌ترین تعاملات دو کشور از سال ۱۳۷۴ به صورت مهم جلوه‌گر شده است. در بهمن ماه ۱۳۷۴ منابع خبری در اسلام‌آباد درباره تلاش‌های امریکا برای اقناع پاکستان و هند به عدم تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای سخن گفتند. مهم‌ترین عرصه رقابت در این سال بحث معاهده عدم تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)^۲ بود که دو کشور مذکور این معاهده را امضا نکردند.

بخشی از فشار امریکا به فسخ قرارداد تحویل ۲۸ فروند جنگنده F16 منجر شد. پاکستان مبلغ ۶۵۸ میلیون

۱. توضیح آن که گزارش حاضر طی دو روز کاری تهیه شده است و لذا پردازش مسائل به صورت حداقل و بعضاً بسیار گذرا انجام گرفته است. کارشناسان گروه سیاست خارجی مرکز آمادگی دارند تا در صورت تمایل اعضای محترم کمیسیون سیاست خارجی، هر یک از عناوین مندرج را به نحو مبسوط مورد بررسی قرار دهند.

2. Non- Proliferation- Treaty.

دلار برای خرید مذکور به امریکا تحویل داده بود که کنگره امریکا این تحویل را معلق ساخت. لذا در یک تعامل سیاسی و دیپلماتیک. امریکا با شیوه‌های مختلف سعی در وادار کردن پاکستان به پایان مسابقه تسلیحاتی داشت و پاکستان نیز تمام تلاش‌های تسلیحاتی خود را ناشی از تهدیدهای برنامه‌های تسلیحاتی هند قلمداد کرد. در اوایل سال ۱۳۷۵ «راین رافائل» از دولت پاکستان خواست تا موضع خود در ارتباط با پذیرش معاهده فراگیر منع آزمایش‌های هسته‌ای را با موضع هند در این خصوص مرتبط نکند.

لذا در رابطه با برنامه هسته‌ای، امریکا سیاست دوجانبه‌ای برای هند و پاکستان به شرح زیر دارد:

- ۱- پذیرش لزوم حفاظت از تأسیسات هسته‌ای دو کشور؛
- ۲- متوقف نمودن برنامه‌های پژوهشی و توسعه سلاح‌های هسته‌ای؛
- ۳- تحمیل توافقنامه عدم حمله به تأسیسات هسته‌ای بین پاکستان و هند از طریق تبادل اطلاعات لازم در مورد تأسیسات هسته‌ای شناخته شده یکدیگر؛
- ۴- ترتیب بازدید ناظران دو کشور از تأسیسات هسته‌ای یکدیگر.

با این توضیحات اعمال اصل «توازن قوا» و حفظ این توازن بین دو کشور مهم‌ترین واکنش در راه کار امریکا در این منطقه است. کاخ سفید در آخرین واکنش^۲ در ۱۳/۵/۱۳۷۷ اعلام کرد تا زمانی که هند و پاکستان با کاهش تنش‌ها موافقت نکنند، واشنگتن تحریم‌های اعمال شده بر ضد این دو کشور رقیب هسته‌ای را لغو نخواهد کرد. کاخ سفید از کنگره برای لغو تحریم‌های اقتصادی بر ضد پاکستان و هند درخواست اختیارات کرد. «جیمز روین» سخنگوی وزارت خارجه امریکا در این باره گفت: «اگر پیشرفت‌های مورد نظر ما در حوزه کنترل جنگ افزایش حاصل شود، ما خواستار انعطاف‌پذیری بیشتری در بخش اجرایی هستیم به طوری که بتوانیم تمام یا بخشی از این تحریم‌ها را لغو کنیم».

تلاش امریکا برای حفظ در نهایت موجب شده تا این کشور واکنش جدی و خصمانه‌ای نسبت به آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان نشان ندهد^۳، زیرا امریکایی‌ها در قاره آسیا نمی‌توانند تنها هندوستان و چین را به عنوان قدرت‌های هسته‌ای بپذیرند و لذا شریک ثالثی به نام پاکستان توازن منطقی‌تری را برای منافع امریکا پدیدار خواهد کرد.

۲- همکاری پاکستان با چین

نیویورک تایمز در سال ۱۹۹۶ طی مقاله‌ای نوشت: «دولت ایالات متحده سرگرم بررسی چگونگی اعمال مجازات دولت پاکستان به جهت کسب تکنولوژی هسته‌ای از چین است. آژانس‌های اطلاعاتی آن کشور نیز دولت واشنگتن را بر اجرای هر چه زودتر تصمیم مذکور تحت فشار قرار داده است. یکی از مقام‌های عالی‌رتبه دولت امریکا اخیراً مدعی شده است که پاکستان سرگرم تهیه موشک‌هایی با کلاهک هسته‌ای است».

- بررسی مسائل اتمی و مسابقه تسلیحاتی در منطقه آسیا ۴ باز یگر اصلی: ۱- امریکا؛ ۲- چین؛ ۳- هند؛ ۴- پاکستان، دارد. اختلافات مرزی گسترده هند و چین و اختلافات گسترده هند و پاکستان موجب

۱. سالنامه روابط امریکا و کشورهای مسلمان در سال ۱۹۹۶، دفتر سیاست خارجی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲. خبرگزاری رویترز از واشنگتن، ۱۳/۵/۱۳۷۷.

۳. کلیتون پس از انفجارها بی‌درنگ اعلام کرد که امریکا تحریم‌های مشابه تحریم هند علیه پاکستان به اجرا خواهد گذاشت. این تحریم‌ها شامل به تعلیق درآوردن کمک‌های اقتصادی، ممنوعیت اعطای وام از سوی بانک‌های امریکایی به مؤسسات دولتی پاکستان و فشار به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای قطع کمک‌ها به این کشور است.

نزدیکی پاکستان به چین، حفظ و گسترش روابط به صورت دوجانبه شده است. امریکایی‌ها نیز به طور مشخص سعی در حفظ توازن بین سه قدرت منطقه‌ای دارند. در این خصوص گفته می‌شود: «چین تأمین کننده اصلی تسلیحات پاکستان می‌باشد و علاوه بر این که امریکایی‌ها در این خصوص مدارک و شواهدی را ارائه نموده‌اند، چینی‌ها نیز اظهار داشته‌اند که موشک‌های با برد کمتر از ۳۰۰ کیلومتر به آنها داده‌اند. رهبران هندی معتقدند که تدارک و تجهیز تسلیحاتی پاکستان در زمینه موشکی به خصوص موشک M11 که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای است و انتقال فن‌آوری هسته‌ای از جمله تهیه ۵۰۰۰ حلقه آهن ربایی برای غنی‌سازی اورانیوم و همکاری در راه‌اندازی راکتور تولید پلوتونیوم در «خوشاب» از نگران‌کننده‌ترین اعمالی است که چینی‌ها در جهت افزایش رقابت تسلیحاتی در شبه قاره هند به آن دست زده‌اند. هندی‌ها معتقدند این تجهیزات با توجه به بهره‌مندی پاکستان از تسلیحات فوق مدرن غربی باعث به هم خوردن توازن قوا خواهد شد».

لذا درباره همکاری‌های دوجانبه چین و پاکستان می‌توان به مسائل زیر رسید:

- ۱- چین در پی ایجاد توازن بین هند و پاکستان در مسابقه تسلیحاتی است تا بخشی از خطر هند دفع شود.^۱
- ۲- چین در مخالفت با جهان تک قطبی که بارها آن را محکوم کرده سیاست کمک تسلیحاتی را تعقیب می‌کند.
- ۳- چین به دنبال منافع اقتصادی از همکاری با پاکستانی‌ها می‌باشد.

۳- زمینه مسابقه تسلیحاتی با هند

هسته مرکزی اختلافات دو کشور کشمیر می‌باشد. در پایان سال ۱۹۹۷ علی‌رغم بر سر کار آمدن دولت منتخب در کشمیر ۸ سال ناآرامی و جنگ و خونریزی کماکان در این ایالات ادامه یافت. دولتمردان هند و پاکستان ادامه آشوب‌ها را تهدیدی برای قدرت و نفوذ خود تلقی کرده و در جستجوی یافتن راه‌حلی برای آن هستند اما برخی ادامه آشوب در کشمیر را عامل بقای خود دانسته و خواستار تداوم آن هستند.

عدم مصالحه و مذاکره درباره کشمیر و رقابت‌های دیرینه موجب شده است تا رقابت‌ها در قالب مسابقه تسلیحاتی بین دو کشور ظهور یابد. در اثنای دهه ۱۹۶۰ و در زمان نخست وزیری «خانم گاندی»، هند اقدام به احداث یک راکتور اتمی به نسبت کم قدرت کرد. در آن زمان «ذوالفقار علی بوتو» نخست وزیر وقت پاکستان اعلام کرد که ما مطمئنیم که هند در جهت دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای گام برمی‌دارد و این کشور به عنوان مهم‌ترین کشور متخاصم جمهوری اسلامی پاکستان با تلاش در جهت تأمین سلاح هسته‌ای، به ما تحمیل می‌کند که به سمت دسترسی به تکنولوژی و سلاح هسته‌ای پیشروی کنیم.

«بوتو» گفت: «اگر لازم باشد که ملت پاکستان سال‌های سال از علف بیابان ارتزاق کنند، کشورش حتماً باید به سلاح‌های هسته‌ای به منظور ایجاد موازنه امنیتی با هند نایل شود».^۲

لذا با این توصیف به نظر می‌رسد:

- ۱- مسابقه تسلیحاتی هند و پاکستان، طولانی، پایان‌ناپذیر و گسترده است.
- ۲- مدل منتخب دو کشور برای اداره یا مدیریت بحران بر اساس مدل رفتاری ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۴۰ و ۵۰ میلادی است.

۱. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران، پکن، ۱۳۷۳/۳/۲۷.

۲. چین بارها اتهام هند مبنی بر این که چین عمده‌ترین تهدید بالقوه برای امنیت هند است را مردود دانسته و اتهام مذکور را فقط بهانه‌ای در جهت برنامه توسعه سلاح‌های هسته‌ای دانسته است.

۳. روزنامه جامعه، ۱۳۷۷/۳/۱۳.

۳- هر دو کشور پذیرفته‌اند اصولی را در رابطه با آزمایش‌های خود- البته پس از اتمام آزمایش‌های فعلی- رعایت کنند.

۴- هر دو کشور تأیید کرده‌اند که دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای و وسایل پرتاب آن به منظور استفاده علیه کشورها متخاصم، رقیب یا کشور طرف مناقشه نیست.^۱

۴- واکنش همسایگان

آزمایش‌های اتمی پاکستان در سطح جهان واکنش‌های متفاوتی داشت. برآیند آنچه بلافاصله بعد از انجام آزمایش‌ها اتفاق افتاد، موج جهانی محکومیت پاکستان بود. امریکا، ژاپن، کره جنوبی، کشورهای اروپایی و اکثر کشورهای جهان نسبت به آزمایش‌های پاکستان اظهار نگرانی کرده و آن را محکوم کردند. کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل نیز ضمن انتقاد از دو کشور هند و پاکستان از آزمایش‌های هسته‌ای انتقاد کرده و اظهار داشت: «در حالی که جهان به قرن تازه‌ای نزدیک می‌شود؛ ما باید از خود این سؤال را بپرسیم که چگونه می‌توان زندگی، فرهنگ و تمدن را حفظ کرد، نه این که چگونه به ویرانگری بیشتری دست زد».

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی بود که رضایت خود از این آزمایش‌ها را -صراحتاً و تلویحاً- ابراز کرد. وزیر دفاع جمهوری اسلامی طی مصاحبه‌ای در ۱۳/۳/۱۳۷۷ اظهار داشت:

«البته در بعضی مسائل و پاره‌ای عرصه‌ها، ایران و پاکستان منافع متباین یا منافع منطبق دارند. اما در مجموع ضریب منافع هم راستا و هم جهت (منافع مشترک) بین ایران و پاکستان در شرایط فعلی بالاتر از ضریب منافع مزاحم و منافع متضاد ماست. به اعتقاد بنده با توجه به مجموعه چالش‌های جهان اسلام و بین‌الملل اسلامی با جبهه غیراسلامی چه در عرصه مناقشات منطقه‌ای (نظیر موضوع فلسطین) و چه فراتر از آن، توانمندی هسته‌ای پاکستان مربوط به تمام جهان اسلام خواهد بود. فقط به این شرط که پاکستان این مهم را از یاد نبرد که بدون حمایت و پشتیبانی جهان اسلام و کشورهای مهم اسلامی قادر نخواهد بود از توان هسته‌ای خود به عنوان اهرم تعادل بخش موازنه امنیتی خود بهره جوید».

ب- طالبان و پاکستان

فتح کامل افغانستان توسط گروه «طالبان» سؤالات بی‌شماری را در سطح جهان ایجاد کرده است و مهم‌ترین مسئله مطروحه حمایت و پشتیبانی پاکستان از طالبان است. برخی محافل طالبان را فرزند سازمان اطلاعات ارتش پاکستان دانسته‌اند، به هر حال در این بخش به ذکر بخشی از روابط دو جانبه پرداخته‌ایم.

۱- سابقه همکاری‌ها

در آبان ماه سال ۱۳۷۳ گروه طالبان قندهار را تصرف و فعالیت‌های نظامی خود را در عرصه افغانستان آغاز کرد. از ابتدای فعالیت حامی طالبان مثلی با سه رأس پاکستان- عربستان و امریکا عنوان شد. گروه طالبان توسط افرادی چون «مولوی عمر»، «مولوی بوری»، «مولوی قوس‌الدین» که پشتوزبان هستند در کویته پاکستان ایجاد شد. آنها با نجات دادن کاروان تجاری پاکستان در شهریور ۱۳۷۳، موجودیت خود را اعلام کردند. گروه‌های طلاب در مدارس علمیه پاکستان از جمله مدارس مربوط به جمعیت علمای پاکستان، حوزه‌ها و

۱. وزیر دفاع جمهوری اسلامی، جامعه، ۱۳/۳/۱۳۷۷.

اردوگاه‌های نظامی وابسته به مولوی «محمدنبی محمدی» درس خوانده و پس از کسب آموزش‌های لازم راهی افغانستان شدند.^۱

«نصیرا... بابر» وزیر کشور سابق پاکستان از مهم‌ترین حامیان گروه طالبان بود و گفته می‌شود سازمان اطلاعات ارتش پاکستان مستقیماً مدیریت سازماندهی و پشتیبانی و ارتباط با طالبان را به عهده دارد.^۲ به هر حال آنچه مسلم است در حکومت پاکستان اجماع نظر لازم در حمایت از گروه طالبان حاصل شده است، زیرا جابه‌جایی دولت‌ها نتوانسته است تأثیری در حمایت پاکستان از این گروه بگذارد و ظاهراً حمایت از «طالبان» جزئی از اصول استراتژیک سیاست خارجی پاکستان شناخته شده است. به هر حال به نظر می‌رسد پاکستان مسائل زیر را در حمایت از طالبان مؤثر دانسته است:

۱- نگرش به منافع کلان و درازمدت اقتصادی با استفاده از حضور دولتی یکپارچه و طرفدار پاکستان به منظور:

- ایجاد راه ارتباطی گسترده با آسیای مرکزی با استفاده از راه آهن.^۳

- ایجاد امنیت جهت سرمایه‌گذاری غرب در بحث انرژی (نفت و گاز).^۴

۲- کنترل قاچاق مواد مخدر.

- جلوگیری از تنش‌های مرزی

- جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه افغان‌ها به پاکستان

۴- کسب حمایت امریکا.

۵- کسب حمایت عربستان و استفاده از سرمایه‌گذاری این کشور.

۲- پشتیبانی گسترده

تمام اخبار و شواهدی از ابتدای تأسیس گروه طالبان از حمایت پاکستان چه دولتی یا غیردولتی حکایت می‌کند. در سال ۱۹۹۶ «بی‌نظیر بوتو» نخست‌وزیر پیشین پاکستان اعلام داشت که در صورت تشکیل دولت طالبان آن را به رسمیت خواهد شناخت. سپس این گفتار در مقاطع مختلف و توسط افراد مختلف بیان شد. در سال جاری مهم‌ترین دیدارها و حمایت‌ها به شرح زیر خلاصه شده است:

۱- ۱۰/۴/۱۳۷۷، رادپو شریعت طالبان: «عزیزخان» سفیر پاکستان در کابل با ملامحمدربانی رئیس شورای سرپرستی طالبان دیدار و درباره گسترش روابط دوجانبه و ارتقای سطح همکاری‌های سیاسی و اقتصادی مذاکره کردند.

۲- ۱۳/۴/۱۳۷۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی: «طارق الطاف» سخنگوی وزارت خارجه پاکستان گفت هیئت دولت این کشور یک کمک انسانی فوری به ارزش ۳۰۰ میلیون روپیه (۶/۵ میلیون دلار) را برای اعطا به دولت طالبان تصویب کرده است.

سفیر پاکستان در هفته گذشته نیز یک چک ۱۰ میلیون روپیه‌ای (معادل ۲۱۷ هزار دلار) برای ترمیم جاده‌های کابل در اختیار کابل قرار داد.

۱. مروری اجمالی بر بحران افغانستان و تحولات آن، مرکز پژوهش‌ها، مرداد ۱۳۷۷.

۲. البته دیدگاهی نیز وجود دارد که «طالبان» برخاسته از درون افغانستان می‌داند و دیدگاه شناختن پاکستان به عنوان منشأ «طالبان» را ناشی از عدم‌شناخت واقعی و اشنابهی در «ارزیابی» می‌داند.

۳. پاکستان تصمیم دارد تا خط آهن خود را از مسیرهای کوبه، چمن، قندهار، هرات، تورغندی و کوشک در داخل ترکمنستان به سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی متصل نماید.

۴. شرکت یونوکال یک خط لوله نفتی از طریق افغانستان با هزینه ۸ میلیارد دلار برنامه‌ریزی کرده که دولت کلیتون آشکارا از پروژه یونوکال به عنوان جایگزینی برای طرح‌هایی که متضمن حضور ایران است، استقبال کرد.

۳- ۱۳۷۷/۴/۲۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی: «اسحاق محسنی» یک منبع افغانی گفت که تعدادی از فرستادگان گروه طالبان در شهرهای مختلف ایالت بلوچستان و پاکستان در صدد جمع‌آوری نیرو برای اعزام به جبهه فاریاب هستند. علاوه بر این از سوی دولت پاکستان به‌طور مرتب شب‌ها مخفیانه تعداد زیادی کامیون حامل سلاح و مهمات و نیرو عازم قندهار می‌شود.

۴- ۱۳۷۷/۴/۲۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی: منابع رسمی در اسلام‌آباد گفتند دولت پاکستان ۱۰۰۰ تخته چادر گروهی و انفرادی صحرائی به طالبان اهدا کرد.

۵- ۱۳۷۷/۵/۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی: یک هیئت از علمای مذهبی پاکستان به سرپرستی مولانا عبدالمجید با مقام‌های طالبان در کابل دیدار و درباره مسائل مورد علاقه به گفتگو پرداختند. مولوی عبدالکبیر معاون شورای سرپرستی طالبان خواستار همیاری علمای پاکستانی برای حل مسائل داخلی افغانستان شد.

۶- ۱۳۷۷/۵/۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی: وزارت خارجه امریکا اعلام کرد از کمک تسلیحاتی روسیه، ایران و پاکستان به طرف‌های درگیر در افغانستان مطلع است.

۷- ۱۳۷۷/۵/۱۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی: یک گروه از علمای پاکستانی در ایالت سرحد پاکستان کمیته‌ای را برای برنامه‌ریزی و چگونگی حمایت از طالبان تشکیل دادند. این جلسه با حضور گسترده علمای پاکستان و با شرکت «مولوی وکیل احمد متوکل» نماینده ویژه «ملا محمد عمر» رهبر طالبان در مدرسه دینی «اکوره ختکر» تشکیل شد.

۸- ۱۳۷۷/۵/۱۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی: حکیم حیدری یک منبع افغان گفت یک گروه ۱۵۰۰ نفره از نیروی نظامی از طریق مرز «اسپین بولک» بلوچستان پاکستان به استان قندهار افغانستان وارد شدند، یک منبع دیگر از ورود ۲ هزار نیروی دیگر از شمال پاکستان به غرب افغانستان خبر داد.

۹- ۱۴، ۱۵ و ۱۶/۵/۱۳۷۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی: وزارت خارجه دولت اسلامی افغانستان، اتحاد شمال افغانستان و کاردار دولت اسلامی افغانستان در ازبکستان طی بیانیه‌هایی سازمان اطلاعات ارتش پاکستان را به مداخله آشکار و وسیع در امور داخلی افغانستان متهم کرده اما گروه طالبان و سفارت پاکستان در روسیه این اظهارات را کذب محض دانستند.

۱۰- ۱۳۷۷/۵/۱۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی: منابع موثق وابسته به حزب وحدت اسلامی خیر از تأمین نیروهای انسانی گسترده و نیازهای لجستیک طالبان توسط افغانستان در فرودگاه شبرغان دادند، در همین احوال برخی گروه‌های مذهبی پاکستان با شنیدن خبر پیشروی‌های طالبان در مزار شریف به شادمانی و شکرگذاری پرداختند. حزب جماعت اسلامی پاکستان نیز از تصرف مزار شریف حمایت کرد.

برآیند تمام اخبار و تحولات یک ماهه اخیر این است که:

- ۱- عربستان و پاکستان حمایت گسترده مالی، انسانی و تسلیحاتی از طالبان به عمل آورده‌اند.^۱
- ۲- طالبان حامیان غیردولتی بسیار ذی نفوذ در داخل پاکستان دارند که بسیار تأثیرگذار در صحنه سیاست خارجی پاکستان هستند.

۱. وزیر خارجه پاکستان پیش از این در مصاحبه‌ای با نشریه لبنانی الشرق الاوسط چاپ شد با ذکر جزئیات طرح‌های نظامی طالبان در شمال افغانستان از سقوط قریب‌الوقوع مزار شریف و حذف برخی رهبران افغان خبر داد.

۳- واکنش همسایگان

از ابتدای عملیات طالبان در مردادماه سال جاری کشورهای روسیه به تاجیکستان به طور مرتب پاکستان را متهم کردند که نیروهای پاکستانی در کنار طالبان در افغانستان می‌جنگند. وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای اظهار داشت:^۱

«پیشروی نظامیان نظامی طالبان در شمال افغانستان این بار با شرکت مستقیم نظامی پاکستان در سطوح برنامه ریزی و تجهیز عملیات و جنگ در کنار آنها صورت گرفته است. بسیاری از افسران پاکستانی در جریان عملیات به اسارت نیروهای ضدطالبان درآمده‌اند. تاجیکستان نیز اتهام‌های روسیه را به صورت تلویحی تکرار کرد. هندوستان نیز با توجه به رقابت دیرینه با پاکستان به طور طبیعی با دخالت‌های پاکستان در افغانستان مخالف است، زیرا دخالت پاکستان در این کشور را نوعی گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی می‌داند.»

از بین کشورهای منطقه عربستان، امارات متحده عربی و پاکستان نیز دولت طالبان را مورد شناسایی قرار داده و روابط رسمی با طالبان برقرار کرده‌اند.

ج- راهبردها

در این بخش به عنوان ارائه راهبرد ۲ اصل مورد نظر است:

۱- تحلیل‌ها و راه کارهایی واقع‌بینانه ارائه شود؛

۲- به مسائل و مشکلات از زاویه‌های متعدد نگریسته شود.

لذا با توجه به ملحوظ داشتن این دو اصل سعی شده است پاره‌ای از مسائل مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مواضع جمهوری اسلامی و انفجارهای هسته‌ای پاکستان

متعاقب انفجارهای هسته‌ای پاکستان، جمهوری اسلامی ایران در سفر وزیر خارجه ایران به پاکستان رضایت خود را از کسب فن‌آوری هسته‌ای توسط پاکستان ابراز داشته و حتی عنوان «بمب اسلامی» به آن نهاده شد. وزیر دفاع جمهوری اسلامی طی مصاحبه‌ای بر حضور ضریب منافع هم راستا و هم جهت بین پاکستان و ایران در شرایط فعلی تأکید کرد.

در موقعیتی مشابه و در زمان آزمایش موشک شهاب ۳ توسط جمهوری اسلامی ایران، «گوهر ایوب خان» وزیر خارجه پاکستان آزمایش مذکور را تبریک گفته و از دستیابی ایران به این نوع سلاح حمایت کرد.^۲ با توجه به مسائل مذکور و اگر مقایسه‌ای با همکاری پاکستان - طالبان داشته باشیم، به نظر می‌رسد موضع جمهوری اسلامی در این بخش از ابتدا از انسجام و هماهنگی لازم برخوردار نبوده است. ذکر چند نکته در این باره لازم به نظر می‌رسد:

۱- اقدامات پاکستان در جهت کسب فن‌آوری تولید بمب اتمی، اقدامی کامل و یکپارچه در جهت منافع ملی آن کشور بوده است و ارتباطی با جهان اسلام ندارد.

۲- ماهیت ساخت بمب اتمی اساساً با ماهیتی ضد هندی در پاکستان تلقی می‌شود که آن نیز در جهت منافع ملی کشور پاکستان است و دولت پاکستان از ابتدا جهت‌گیری‌های تبلیغاتی خود را بر پایه بازدارندگی از هدف مشخص یعنی هندوستان ایجاد کرد که در شرایط جدید حتی مدل رقابت‌های دو کشور را مدل رقابت

۱. اطلاعات، ۱۳۷۷/۵/۲۱.

۲. آلمانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۵/۵.

اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا در دهه ۵۰ می دانند.

۳- داده جمهوری اسلامی حمایت از پاکستان در بحث بمب اتمی و ستانده آن در بحث آزمایش موشک شهاب ۳ بسیار ناچیز و غیرمتعادل است و این رفتار به عنوان عملکردی منفی بر مجموعه رفتارهای تنش‌زای بین ایران و امریکا خواهد افزود.

۴- شایسته‌ترین سیاست و موضع تأکید بر چارچوب کلی معاهده خلع جامع آزمایشات هسته‌ای C.T.B.T و اجرای کامل کنوانسیون NPT بود.

۵- در بحث منافع ملی جمهوری اسلامی گرایش بیشتر به سوی پاکستان بدون اخذ امتیازات و منافع لازم هند را با قابلیت‌های گسترده از ما دور خواهد ساخت، لذا، نگرش یکسان به هند و پاکستان مطلوب ما در شبه قاره هند است.

۲- طالبان و مواضع جمهوری اسلامی

مسئله طالبان ارتباط مستقیم با پاکستان دارد. هرگونه اتخاذ سیاست از جانب جمهوری اسلامی در خصوص چگونگی رفتار با طالبان روابط جمهوری اسلامی با پاکستان را تحت الشعاع قرار خواهد داد. لذا با ارائه چند تصویر بخشی از مواضع تبیین خواهد شد.

تصویر فعلی در افغانستان

۱- طالبان تقریباً تمام افغانستان را به اشغال نظامی خود درآورده و نیروهای پشتیبانی کننده خود را در تمام شهرها و روستا مستقر می‌سازد.

۲- طالبان با تشکیل دولت و کابینه و همچنین برخوردی قوی مدعی انقلاب اسلامی در افغانستان و همچنین مدعی اجراکننده کامل قوانین شریعت و اسلام ناب در افغانستان است.

۳- گروه‌های اسلامی داخلی پاکستان حمایت گسترده‌ای از این گروه می‌نمایند.

۴- طالبان ۱۱ عامل دیپلماتیک و یک خبرنگار از جمهوری اسلامی را به اسارت گرفته است.

سیاست رقابت

مطبوعات منتشر شده جمهوری اسلامی و بخش کثیری از تحلیل‌گران کشور دولت و به‌ویژه وزارت امور خارجه را متهم به انفعال، مماشات، سردرگمی، عدم انسجام، عدم همکاری، پراکندگی مراکز تصمیم‌گیری و فقدان برنامه مشخص در مسئله افغانستان کرده‌اند.

در تصویر فعلی به عملکرد وزارت خارجه نمره منفی در قبال بحران افغانستان داده می‌شود. عموماً راه‌حل‌های ارائه شده برای حل بحران را دخالت و مشارکت فعال نظامی می‌دانند ظاهراً تمام نسخه‌های تجویز شده این است که چرا جمهوری اسلامی همزمان با فعال شدن پاکستان اقدام به تقویت نیروهای جبهه ضد طالبان نکرده است و این موضع مماشات ضربه مستقیمی در آینده به جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد. از دیدگاه سیاست رقابت آنچه به عنوان راه حل ارائه می‌شود، رقابت فعال با پاکستان و عربستان در قضیه

دیدگاه سیاست رقابت آنچه به عنوان راه حل ارائه می‌شود، رقابت فعال با پاکستان و عربستان در قضیه افغانستان است. اما در مسئله افغانستان چند عامل اصلی باید لحاظ و در تصمیم‌گیری‌ها پیرامون آن دقت شود.

۱- افغانستان فعلی باتلاق است: تجربه دخالت کشورهای مختلف از زمان دخالت مستقیم اتحاد جماهیر شوروی سابق تا کنون ثابت کرده است که دخالت نظامی مستقیم در این کشور بیهوده و ناکاراست. گرچه در کوتاه مدت ممکن است منافع خرد برای کشور فعال در این منطقه وجود داشته باشد اما در درازمدت هر دخالتی کارساز نخواهد بود.

۲- با توجه به این که دخالت پاکستان، عربستان، امریکا، امارات متحده در این کشور از یک سو و روسیه و برخی از کشورهای آسیای مرکزی از سوی دیگر محرز است لذا، در سنجش و ارزیابی باید مجموع توانایی‌های کشورهای گروه اول که به طور مسلم حمایت گسترده عظیمی را طراحی کرده‌اند در نظر گرفت و انتظار داشت که هر رقابت روسیه یا جمهوری اسلامی ایران بدون در نظر گرفتن توانایی‌ها و ظرفیت‌ها مذکور، نسنجیده خواهد بود و هر سرمایه‌گذاری و هزینه نظامی نتیجه دلخواه را نخواهد داشت.

مضاف بر این که مشی سیاست رقابت در عرصه افغانستان تنش‌های بعدی را در روابط کلی ایران و همسایگان پدیدار خواهد کرد.

۳- سیاست رقابت در شرایط فعلی به لحاظ زمان شکست خورده است، زیرا طراحان سیاست خارجی کشور اگر در مجموع به نتیجه «رقابت» رسیده بودند، باید آن را در طی ۳ سال گذشته تقویت نموده و به انجام می‌رسانیدند.

موارد فوق پاره‌ای استدلال‌ات نظری از بحث «رقابت» بود، اما در اجرا در صورت پذیرش سیاست رقابت فعال، طالبان به عنوان شورشیانی که توسط جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته نشده‌اند، توان انجام امور زیر را دارند:

۱- به کشتار گسترده شیعیان در مقابل با ایران پردازند؛

۲- به دیپلمات‌های ایرانی اسیر آسیب برسانند؛

۳- همکاری فعالانه را با عوامل اپوزسیون جمهوری اسلامی آغاز کند؛

۴- در مرزها فعالانه به ایجاد تنش پردازند.

سیاست بی‌طرفی

یکی از سایر سیاست‌هایی که به نحوی انفعال تلقی خواهد شد و وزارت امور خارجه در پاره‌ای از موضعگیری‌ها به آن متهم شده است، اتخاذ «سیاست بی‌طرفی» است. غرض از سیاست بی‌طرفی این است که جمهوری اسلامی ایران در کلیه رویدادها و پیش‌آمدهای موجود در داخل افغانستان تا زمان تثبیت کامل اوضاع و احوال به صورت «بی‌طرف» فقط شاهد تحولات بوده و به صورت حداقل به رایزنی‌های دیپلماتیک با کشورهای همسایه در منطقه پرداخته است. در حال حاضر این نوع تصویر از سیاست خارجی ایران در افغانستان توسط وزارت امور خارجه ارائه می‌شود، گرچه از میزان دخالت نهادهای مختلف نظیر نیروی قدس سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، دفتر پشتیبانی افغانستان و... مطلع نیستیم. اما به هر حال تغییری در ماهیت موضوع ایجاد نمی‌کند، زیرا هیچ یک از ارگان‌های ذی‌ربط در قضیه افغانستان نتوانسته‌اند تصویری درست از اوضاع آینده به دست دهند. از یک منظر جمهوری اسلامی ایران از برخی جهات نمی‌تواند «بی‌طرف» باشد، زیرا هر تحولی در کشور همسایه

به طور طبیعی و به تناسب موضوع و موقعیت‌ها و شرایط کشورمان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. معمولاً در تحلیل‌هایی که تاکنون از خطر طالبان - برپایه چنین برداشتی - ارائه شده بر نکات کلی زیر اشاره شده است:

- ۱- امکان گسترش افکار وهابیت در مناطق شرقی سنی مذهب و به طور کلی مخدوش ساختن چهره اسلام در جهت ایجاد بحران و تفرقه.
- ۲- پرورش و تقویت گروه‌های ضدانقلاب از جمله منافقان علیه ایران.
- ۳- تخریب روابط ایران و پاکستان.
- ۴- ایجاد مشکلات امنیتی در نواحی مرزی و اعزام گروه‌های خرابکار به داخل ایران.
- ۵- تکمیل و تداوم سیاست مهار دوجانبه توسط امریکا و جلوگیری از نفوذ ایران در افغانستان.
- ۶- احتمال کشیده شدن ایران به نبردهای داخلی افغانستان.
- ۷- پیدایش رقیب برای ایران در مسیر عبور خط لوله‌های نفتی و گازی از آسیای مرکزی.
- ۸- تولید و توزیع مواد مخدر.
- ۹- بحران در حوزه هیدروپولیتیک ایران.

از این دیدگاه تمامی موارد فوق در صورت اتخاذ سیاست بی‌طرفی به صورت خطرات بالقوه وجود خواهند داشت و لذا این سیاست غیر عقلانی است.

سیاست همکاری

اصولاً ذکر این که پس از حضور طالبان در افغانستان ایران لزوماً مواجه با مشکلات ناشی از ناامنی، مواد مخدر، مشکلات مرزی، مشکلات ایدئولوژیک ناشی از وهابی‌گری و... خواهد شد، بستگی مستقیم و مطلق به عملکرد دولت جمهوری اسلامی ایران دارد. اگر قرار باشد هر تغییری در رژیم همسایگان به عنوان عامل قوی بر امنیت ملی ما تأثیر سوء بگذارد، در آن صورت باید در توانایی دولت در پاسخگویی به مسائل سیاست خارجی و امنیتی تردید کنیم. تاکنون ما از مرزهای افغانستان شدیدترین آسیب‌های اجتماعی را داشته‌ایم و لذا این که با حضور و تثبیت طالبان ایران در محاصره قرار گیرد اندکی غیر واقع بینانه می‌نماید.

پیشنهادها

پیشنهادها برای بررسی عمده‌تاً حول ۴ محور زیر است:

- ۱- بررسی دقیق عوامل، شرایط و ذهنیاتی که بیان‌کننده دلایل مخالفت با طالبان (در تمامی ابعاد) باشد؟
 - ۲- در صورت تثبیت طالبان و پذیرش سیاست «رقابت» در مواجهه با آنها چه مشکلاتی متصور خواهد بود؟
 - ۳- بررسی آثار پذیرش همکاری با طالبان و جایگاه آن/منافع ملی؟
 - ۴- در نگرش واقع بینانه شرایط آینده چگونه است؟
- از یک زاویه دید ممکن است گفته شود که مجموعاً با رژیمی روبه‌رو هستیم که ممکن است مانند عراق،

ترکیه و آذربایجان در روابط خود فراز و نشیبی با آن داشته باشیم، اما در هر حال نباید شرایط فعلی وضعیت رابه گونه‌ای تحلیل کنیم که گمان شود اگر طالبان تثبیت گردد امنیت ملی ما از دست رفته است. این نوع بی‌اعتمادی شایسته نظام ما نیست. گروهی دیگر قضیه را از دیدگاه اقتصادی قضیه دنبال می‌کنند. به نظر آنان نظر به مشکلات ساختاری سرمایه‌گذاری در ایران، غرب به این نتیجه رسیده است که افغانستان با رژیمی اقتدارگرا محیطی بهتر برای سرمایه‌گذاری در بخش انرژی است، اما بدون شک چنین برداشتی ناصحیح است. زیرا عدم امنیت در افغانستان به زودی رفع نخواهد شد. طراحان سیاست خارجی باید به این نتیجه برسند که در مقایسه ایران و افغانستان برای محیط سرمایه‌گذاری انرژی، افغانستان در آینده به لحاظ درگیری گروه‌ها فاقد حداقل ظرفیت برای سرمایه‌گذاری است، اما جمهوری اسلامی ایران با ظرفیت حداکثر قادر به حل مشکلات متعدد فراروی و در آینده نیز قادر به ایجاد محیطی مساعد برای سرمایه‌گذاری خواهد بود. در بحث ایدئولوژیک توان ما در ارائه انگوه‌های وحدت اسلامی بسیار بالاست و لذا در مجموع آن گونه که در تحلیل‌ها گفته می‌شود طالبان کفایت و توان لازم را جهت ایجاد مشکل برای ما نخواهد داشت. زیرا ظرفیت‌های ملی و توانایی ما در مسائل نظامی اصولاً با طالبان قابل قیاس نیست. لذا به نظر می‌رسد:

- ۱- شرایطی نظیر شناسایی طالبان نیز به‌عنوان حالات استثنایی بتواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد.
- ۲- سیاست خارجی پیشاپیش در برابر شقوق محتمل مسلح باشد.
- ۳- به جایگاه جدید پاکستان در نظام منطقه‌ای توجه شود و به‌دقت نقاط اشتراک و همخوانی با منافع و نقاط تضاد شناسایی و مورد تشریح واقع شود.
- ۴- شناسایی نقاط قوت و نقاط ضعف پاکستان (منجمله مسائل داخلی) و اثرات هر کدام بر ایفای نقش جدید این کشور در منطقه.

فهرست منابع

- ۱- تنکس ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۷.
- ۲- مروری اجمالی بر بحران افغانستان و تحولات آن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - مرداد ۱۳۷۷.
- ۳- جامعه، ۱۳، ۱۳۷۷، ۳، ۹-۱۳۷۷، ۳، ۱۱-۱۳۷۷.
- ۴- راه نو، سال اول، شماره ۵، مرداد ۱۳۷۷.
- ۵- اخبار ۱۳۷۷/۵/۲۰، همشهری، ۲۲، ۱۳۷۷، ۵، ۲۱-۱۳۷۷/۵/۲۱.
- ۶- ایران فردا، آبان ۱۳۷۵.
- ۷- اطلس دانش آموز- مؤسسه جغرافیایی، سحاب، شهریور ۱۳۷۳.
- ۸- جمهوری اسلامی ۱۳۷۷/۵/۱۲.
- ۹- روابط آمریکا و کشورهای مسلمان در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۶ میلادی، گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۰- گزارش دومین نشست تخصصی پیرامون آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مرداد ۱۳۷۷.
- ۱۱- گزارش ژاپن و آزمایش‌های هسته‌ای هند، سفارت ایران در توکیو - ۱۳۷۷/۳/۱۸.
- ۱۲- گزارش موضع چین در قبال آزمایش‌های هسته‌ای هند، سفارت ایران در چین ۱۳۷۷/۳/۱۹.

۱. در جلسات کارشناسی گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌ها در تاریخ ۱۳۷۷/۳/۳۱ نشستی با عنوان تحولات اخیر در شبه قاره هند منعقد شد که پیش‌بینی گردید، دستیابی پاکستان به سلاح هسته‌ای بی‌گمان عنصری مقوم و نیازمند بررسی در پیروزی سیاسی طالبان خواهد بود.